

جهان‌شمار

یکشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۳

شماره ۴۱۸۵

FARHIKHTEGANAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

سیاست جدید رژیم کشتار مردم غزه به بهانه ترور فرماندهان حماس است

جنایت تحت پوشش



سیدمهدی طالبی

دبیرگروه جهان‌شمار

رژیم صهیونیستی روز گذشته (شنبه ۲۳ تیر) مدعی شد موفق شده عملیاتی برای ترور محمد الضیف فرمانده گردان های عزالدین قسام شاخه نظامی گروه حماس به اجراء آورد.
بنا‌ین حال ارتش رژیم اعلام کرد برآورد دقیقی از نتیجه عملیات ندارد اما حصد می زند با توجه به ابعاد آتش ریخته شده در محل حضور ضیف، او کشته شده است.

علی رغم ادعاهای رژیم، ساعاتی بعد گروه حماس شهادت فرمانده شاخه نظامی خود را به صورت رسمی تکذیب کرد. پس از آن بود که رسانه‌های صهیونیست اعلام کردند احتمال دارد الضیف زخمی شده باشد. ارتش رژیم برای توجیه ناکامی و شدت آتش ریخته شده بر محل اجرای عملیات ادعا کرد تنها ساعاتی قبل به اطلاعاتی درباره محل حضور فرمانده عالی مقاومت فلسطین رسیده بود. مقامات حماس درباره اهداف این عملیات اعلام کرده اند گزارش های تل آویو درباره شهادت محمدالضیف، فرمانده شاخه نظامی حماس «توجیه دروغی برای حمله به المواصی است. با توجه به آنچه حماس درباره اهداف رژیم متذکر شده است، به نظر می رسد صهیونیست‌ها پس از کشتار ۴۰۰ نفر در اردوگاه النصیرات برای آزادسازی ۴ اسیر خود، به فرمولی جدید در جنگ دست یافته‌اند. با توجه به کاسته شدن حساسیت جامعه بین‌المللی از کشتار فلسطینیان در چنین عملیات‌هایی، تل آویو می‌کوشد از این پس برای کاهش جلوه تروهای خود، برای آنها بهانه تراشی کند. صهیونیست‌ها در کشتار روز گذشته اردوگاه المواصی ۷۱ نفر را به شهادت رسانده و ۲۸۹ نفر دیگر را زخمی کردند. با این حال اهمیت خبر ترور الضیف تعداد شهدا را تحت الشعاع خود قرار داد.

نکات

صهیونیست‌ها در مرحله سوم جنگ خود در غزه و لبنان سیاست خاصی را در پیش گرفته‌اند که برخلاف ویژگی‌های اعلامی این مرحله بوده است. در ادامه تلاش شده این موارد مورد بررسی قرار گیرند.

۱. به نظر می‌رسد رژیم تصمیم گرفته از بهانه ترورها به عنوان عامل توجیه‌کننده کشتارهای عظیم مردم استفاده کند. رژیم در هر عملیات برای آزادسازی اسرای ترور فرماندهان حماس دها و صدها شهروند فلسطین را به شهادت می‌رساند و با توجیه ضروری بودن این کشتارها برای دستیابی به این اهداف گران قیمت، از زیرپا فشارها شانه خالی کند. نخستین اقدام در این راستا برای آزادسازی ۴ اسیر در اردگاه النصیرات صورت گرفت که طی آن نزدیک به ۴۰۰ فلسطینی در این اردگاه به شهادت رسیدند.

۲. آمریکا به شکل رسانه‌ای اعلام کرده بود در صورت منصرف شدن رژیم از برخی اقدامات مانند عملیات گسترده در رفغ و یافت مسکوئی غزه که تلفات غیرنظامی انبوهی بر جای می‌گذارد، در ترور فرماندهان مقاومت به تل آویو کمک خواهد کرد. امروز واشنگتن باید به افکار عمومی خود توضیح دهد چگونه با این شرط به رژیم

دیگر درگیری‌های داخلی را به اجماع تبدیل کند.

۳. «با این رویکرد، دولت من قصد دارد سیاستی فرصت‌گرا را پیگیری کند که با ایجاد «تعادل» در روابط با همه کشورها، منطبق با منافع ملی، توسعه اقتصادی و نیازهای صلح و امنیت منطقه و جهان باشد.» رئیس دولت چهاردم در این بخش تلاش کرده با شفاف سازی سیاست‌های ایران، سهو برداشت‌های ایجاد و تبلیغ شده در این خصوص را اصلاح کند. همان‌گونه که از نام سیاست «نگاه به شرق» ایران پیداست تهران خواهان تحکیم روابط با قدرت‌های شرقی است که مدت‌هاست درخصوص آن بزنامه‌ای منسجم وجود نداشته است. با این حال پیگیری این سیاست به معنای گردش بر شرق نیست. به همین دلیل نیز از کلمه نگاه در کنار شرق استفاده شده است. تهران در سیاست خارجی «فرصت‌گرا» بوده و به دنبال ایجاد تعادل در روابط بین‌المللی خود است. صد البته که این تعادل بخشی همانند نظرات سنتی مبتنی بر ایجاد تعادل میان شرق و غرب با امتیازدهی به آنها نیست.

۴. «در دولت من، تحکیم روابط با همسایگان در اولویت قرار خواهد داشت.» نهمین رئیس جمهور ایران در این جمله آشکارا ساخته سیاست همسایگی ایران که در دوره شهید رئیسی اجرای آن آغاز شد. یک پرپژه در کشور است که در دولت بعدی ایران نیز ادامه خواهد یافت.

۵. «ما پیگیر تشکیل یک «منطقه قوی» خواهیم بود، نه مناسباتی که در آن یک کشور به‌تنهایی به دنبال استیلا و تسلط بر دیگران باشد. من قویا اعتقاد دارم کشور های همسایه ویران‌رنیاب منابع ارزشمند خود را در جهت رقابت‌های فرسایشی، مسابقه تسلیحاتی و محدود سازی بی مورد یکدیگر هدر دهند. به جای آن هدف ما باید ایجاد محیطی باشد که در آن منابع همگان برای پیشرفت و توسعه منطقه به نفع همه اختصاص یابد.»

این بند نکات مهمی در درون خود دارد. ایران خواهان رسیدن به جایگاه یک قدرت منطقه‌ای است اما برخلاف برداشت‌ها یا تبلیغات سوء رقبا، به دنبال استیلا و تسلط بر کشورهای منطقه نیست. از سوی دیگر ایران خواهان یک منطقه قوی است تا قدرت‌های خارجی از آن اخراج یا تضعیف شوند و از سوی دیگر با

اجداد مناسبات بلند مدت، امنیت منطقه برای ده‌های آینده تضمین شود.

۶. «منطقه ما دیرپایزی است از جنگ، تنش‌های فرقه‌ای، توربسم و افراط‌گرایی، قاچاق مواد مخدر، کمبود آب، بحران پناهندگان، تروریسم محیط‌زیست و

مداخلات خارجی رنج می‌برد. حالاتوق آن فرارسیده که با هم به این چالش‌های مشترک برای آینده بهتر نسل‌های بعدی رسیدگی کنیم. همکاری برای توسعه و شکوفایی منطقه‌ای اصل راهنمای سیاست خارجی ما خواهد بود. به‌عنوان کشوری‌هایی که از منابع فراوان و سنت‌های مشترک برخورداریم صلح‌آمیز اسلامی بر خودراند، باید متحد شویم و به‌جای منطق قدرت، به قدرت منطق تکیه کنیم.

اینج با بهره‌گیری از ظرفیت هنجارسازی خود می‌توانیم از طریق ترویج صلح،

اججاد محیطی آرام برای توسعه پایدار، تقویت گفت‌وگو و مقابله با اسلام‌هراسی

نقش مهمی در نظم جهانی پساظلمی ایفا کنیم. گفت‌وگو، تسویه حساب‌ها، هنجارسازی،

نشان می‌دهد ایران قائل به ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای همانند اتحادیه اروپا برای

اجداد هماهنگی میان کشورهای را در ابعاد مختلف است.

۷. «ایران به سهم خود آماده نقش آفرینی خواهد بود. در سال ۱۹۷۹، پس از انقلاب

نظام نوظهور جمهوری اسلامی ایران روابط خود را با دو رژیم اپارتاید اسرائیل و



دوم که شامل عملیات زمینی در غزه بود، به مرحله سوم جنگ وارد شده‌اند. در این مرحله عملیات زمینی صورت نمی‌گیرد اما حضور زمینی در نقاط محدودی از غزه حفظ می‌شود. همچنین وظیفه اصلی عملیات و ضربه به مقاومت در این مرحله نیز همانند مرحله اول جنگ برعهده نیروی هوایی است اما برخلاف آن، در مرحله سوم هدف تلفات‌گسترده است. باید شبکه رهبری مقاومت و فرماندهانش آسیب ببینند. مرحله سوم جنگ با این ویژگی‌ها طراحی شده تا نیاز کمتری به سربازان باشد، تلفات غیرنظامیان کاهش یابد تا به تیغ آن فشارهای بین‌المللی کاسته شود و در آن ضربات مؤثر به نیروهای اصلی مقاومت وارد شود. بااین حال به نظر می‌رسد فراتر از ابعاد اعلام شده، رژیم نخواهد از جنایت‌های خود بکاهد و کشتار را با ترور ترکیب کرده است. هدف رژیم از گنجاندن بندی در اهداف مرحله سوم جنگ برای کاهش تلفات، بر مبنای نیت خیرخواهانه تل آویو طرح نشده و صرفاً برای خنثی سازی فشارهای جهانی صورت گرفته بود. صهیونیست‌ها قصد داشتند از کمیت کشته‌شدگان کاسته و به کیفیت آنها بیفزایند. تل آویو اما نکته دیگری را برای کاهش فشارهای بین‌المللی یافته‌است که ترکیب تلفات غیرنظامیان با ترور فرماندهان است. به زعم صهیونیست‌ها این‌گونه می‌توان کشتارها را ادامه داد اما با تبعات آن کمتر مواجه شد.

۶. یک عامل مهم در از سرگیری کشتارهای عظیم موفقیت‌های میدانی مقاومت است. مقاومت طی هفته‌های اخیر تلاش کرده به جای زدوخوردهای مداوم، به شکل موردی کمین‌های پیچیده‌ای را به اجراء آورد که حاصل و نتیجه هرکدام از آنها اتفاقاتی بین ۱۰ تا ۲۰ نفر بوده است. این کمین‌های خونین به دلیل تاثیر



پس از یاد داشت عربی رئیس جمهور منتخب دومین یاد داشت او به زبان انگلیسی منتشر شد

اول همسایگان بعد فرامنطقه

آفریقای جنوبی، براساس موازین حقوق بین‌الملل و اصول پایه‌ای حقوق بشر، قطع کرد. تا به امروز اسرائیل همچنان یک رژیم آپارتاید است که «نسل‌کشی» را نیز به کارنامه تیره خود-که شامل اشغال، جنایات جنگی، پاکسازی قومی، شهرک‌سازی، برخورداری از سلاح‌های هسته‌ای، ضمیمه غیرقانونی سرزمین‌های دیگران تحت‌تاجاجم به همسایگانش بوده-اضافه کرده است. به‌عنوان اولین اقدام، دولت من از کشورهای عرب همسایه درخواست همکاری خواهد کرد تا با استفاده از تمامی اهرم‌های سیاسی و دیپلماتیک استقرار آتش‌بس و متوقف کردن کشتار مردم غزه را در اولویت قرار دهند تا از گسترش دامنه جنگ جلوگیری شود. سپس باید با جدیت تلاش کنیم تا به اشغال طولانی مدتی که زندگی چهار نسل از فلسطینیان را ویران کرده است، پایان دهیم. در این راستا، تاکید می‌کنم دولت‌ها براساس «کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸» موظف به اتخاذ اقدامات لازم برای جلوگیری از نسل‌کشی هستند و نه پاداش دادن به نسل‌کشی از طریق عادی سازی روابط به مجرمان است.

پزشکیان در این بند‌ها طبق قوانین و قواعد پذیرفته شده بین‌المللی تعریفی از رژیم و اقداماتش انجام داده است. بنیاد این موضوع از نظر دور داشت که اقدامات ایران از جمله کمک به مقاومت در غزه حتی کرانه باختری مطابق با اسناد و قوانین بین‌المللی است. این دو منطقه که جزئی از سرزمین‌های ۱۹۴۷ به حساب می‌آیند طبق قوانین بین‌المللی منطقه اشغالی به حساب آمده و کمک به ساکنان اصلی آن برای آزادی و رهایی، امری قانونی است.

۸. «در این راستا تاکید می‌کنم دولت‌ها براساس «کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸» موظف به اتخاذ اقدامات لازم برای جلوگیری از نسل‌کشی هستند و نه پاداش دادن به نسل‌کشی از طریق عادی سازی روابط به مجرمان!» دولت ایران مخالف جدی عادی سازی است.

۹. «امروزه به نظر می‌رسد که بسیاری از جوانان در کشورهای غربی به حقانیت مواضع دیرپای ما در قبال رژیم اسرائیل پی برده باشند. می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و به این نسل شجاع بگویم که اتهامات یهودی ستیزی علیه ایران به دلیل موضع اصولی اش در مساله فلسطین، نه تنها کاملاً غلط است بلکه به فرهنگ، باورها و ارزش‌های اساسی ما توهین می‌کند. مطمئن باشید که این اتهامات به اندازه اتهامات ناعادلانه یهودی ستیزی که هنگام اعتراض در دانشگاه‌ها برای دفاع از حق حیات فلسطینی‌ها به شما وارد می‌شود، بی‌اساس است.» پزشکیان در این بند نشان داده که درخصوص ظلم ستیزی و قضیه فلسطین در ایران اجماع وجود داشته و تمام جناح‌های کشورهای باخشی از صف طویل مبارزان ضدصهیونیستی می‌دانند.

این بند همچنین دومین اشاره به خیزش خیزش دانشجویان و مردم غربی علیه جنایت‌های رژیم است. در نخستین مورد رهبر معظم انقلاب به‌طور مستقیم در پیامی اختصاصی به این جوانان، به آنها و حرکت‌شان اشاره کرده بودند.

۱۰. «چین و روسیه همواره در روزهای سخت دوست و پشتیبان ما بوده‌اند. ما این دوستی را بسیار ارزشمند می‌دانیم. نقش‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین یک گام مهم در جهت ایجاد یک «شرکت جامع راهبردی» سودمند برای هر دو کشور بود و ما تمایل داریم در آستانه ورود به نظم جدید جهانی همکاری‌های گسترده‌تری در این مسیر با یکن برقرار سازیم. در سال ۲۰۲۳، دولت چین نقش مهمی در تسهیل عادی سازی روابط ما با عربستان سعودی ایفا کرد و از این طریق دیدگاه سازنده

تبلیغاتی بالاتری که نسبت به تلفات موردی زدوخوردهای پیوسته دارند، جبهه داخلی رژیم را ملتهب کرده‌اند. تل آویو ناکام از مقابله با این کمین‌ها می‌کوشد با رقم زدن جنایت علیه فلسطینی‌ها گروه‌های مقاومت را از اجرای کمین‌های پیچیده خود منصرف کند.

۷. حرکت به سمت ترور مقامات عالی رتبه مقاومت تقریباً هم‌زمان با انسداد در میادین جنگ صورت می‌گیرد. این سیاست تنها درخصوص غزه اجرا نشده بلکه نمونه‌های موفق آن علیه مقاومت لبنان صورت گرفته است. تنها طی دو هفته اخیر چند فرمانده اصلی مقاومت لبنان در حملات هوایی رژیم به شهادت رسیده‌اند. این ترورها هرچند در نگاه اول موفقیت بزرگی برای تل آویو به شمار می‌روند اما در دیدگان ناظران جنگ محدودیت‌های رژیم را افشا کرده‌اند. این مساله را می‌توان به‌طور آشکاری درخصوص درگیری‌های لبنان مشاهده کرد. در مراحل اولیه جنگ، مقاومت لبنان عملیات‌های معدودی علیه پایگاه‌های رژیم در خطوط مرزی انجام می‌داد اما هر روز بین ۲ تا ۴ شهید در عملیات‌های خود داشت. به

عبارتی در مرحله اول جنگ، صهیونیست‌ها مبارزان لبنانی را به شکل «آتلان» در لحظه عملیات هدف قرار می‌دادند. به‌مورد با اتهام پایگاه‌های مرزی و کور شدن چشم‌ان رژیم، صهیونیست‌ها تلاش کردند وارد مرحله دوم شوند. در این مرحله ارتش رژیم با شناسایی رزمندگان به وسیله پهپادها و شبکه جاسوسان، فرماندهان میدانی را در خانه‌های تیمی، مراکز فرماندهی یا حین عبور و مرور مورد هدف قرار می‌داد. ترورهای مرحله دوم با تاخیر نسبت به عملیات‌ها صورت گرفته و حالتی «آفلاین» داشتند. این مرحله نیز به دلیل تشدید مسائل حفاظتی و ساقط کردن پهپادهای رژیم از دستور کار خارج شد. از این رو صهیونیست‌ها در سومین مرحله از درگیری با لبنان، صرفاً هدف‌گیری فرماندهان عالی رتبه را مدنظر خود قرار دادند. هرچند در نگاه‌ی ساده هدف قرار دادن این فرماندهان ضربه‌ای بزرگ به ساختار رژیم مقاومت لبنان است، اما بررسی عمیق‌تر آشکار می‌کند تل آویو به دلیل ناتوانی میدانی-نظامی به اقدامات فریادانی-امنیتی نازل کرده است. ۸. رژیم از کشتار و تخریب به دنبال بازآزادنگی است. بر مبنای «دکترین ضاحیه» که در خلال جنگ ۲۳ میان رژیم و مقاومت لبنان رخ داد، تل آویو باید در هر جنگ با مقاومت چنان تخریبی در جامعه مقاومتی ایجاد کند تا در آینده آنها برای نبرد با رژیم دست به محاسبه سختگیرانه‌ای برند. با این حال آنها در نبرد با مقاومت از یک بازآزادنگی کوتاه‌مدت نیز استفاده می‌کنند. صهیونیست‌ها می‌دانند مقاومت از مشکلات رژیم درک درستی دارد؛ چه اینکه بسیاری از این معضلات قابل برده‌پوشی نیستند. به‌عنوان نمونه یوق‌الکلات، وزیر جنگ رژیم طی هفته‌های اخیر با التماس درصدد جذب ۱۰هزار سرباز به صفوف نظامیان خود بوده است، او برای جذب این میزان سرباز حتی خواهان خدمت یهودیان حریدی شده که از خدمت نظامی معافند. گالاتت این اصرار را با وجود آگاهی از مخاطرات سنگین درافتادن با حریدان‌ها انجام داده است. از سوی دیگر بخش عظیمی ازنجیبات صهیونیست‌ها در بخش زمینی بر اثر جنگ در غزه آسیب دیده که شامل نیمی از تانک‌های عملیاتی این رژیم می‌شود. از این رو تل آویو قصد دارد با نشان دادن جنگ‌دوستان مانع از تلاش مقاومت برای بهره‌برداری از نقاط ضعف جدید خود شود.



پس از یاد داشت عربی رئیس جمهور منتخب دومین یاد داشت او به زبان انگلیسی منتشر شد

اول همسایگان بعد فرامنطقه

و رویکرد آینده‌نگرانه خود را در امور بین‌المللی به نمایش گذاشت. روسیه یک هم‌پیمان راهبردی ارزشمند و همسایه ایران است و دولت من متعهد است که به گسترش و تقویت همکاری‌هایمان با اینبند بماند. ما برای مردم روسیه و اوکراین آزروی صلح داریم و دولت من آماده حمایت فعالانه از ابتکارات دیپلماتیک در جهت دستیابی به این هدف خواهد بود.»

شرح همکاری‌ها با شرق همچنان در دستور کار است و قرار نیست درصورت توافق با غرب توافقات با شرق نادیده گرفته شوند. همکاری با چین به دلیل اولویت

ایران برای جذب منابع اقتصادی و فناوری لازم برای توسعه نسبت به همکاری با روسیه اولویت دارد. ادامه این بند نشان می‌دهد همکاری‌ها با روسیه بیشتر مبتنی بر ضدیت با نظام چندقطبی و همکاری‌های نظامی-سیاسی تعریف می‌شود. همچنین موضع ایران درخصوص جنگ اوکراین عدم جانبداری رسمی و تلاش برای صلح میان دو ملت است.

۱۱. «با علم به اینکه صحنه جهانی از الگوهای سنتی فراتر رفته است، دولت من متعهد است که روابط متقابل مفید خود را با بازیگران بین‌المللی نوظهور در

جنوب جهان، به‌خصوص با کشورهای آفریقایی، تقویت کند. در این راستا، به دنبال ارتقای همکاری‌ها و تقویت مناسبات مان خواهیم بود. ایران با کشورهای آمریکای لاتین روابط مستحکم دارد و دولت من در جهت حفظ و تعمیق آن به‌منظور پیشبرد توسعه، گفت‌وگو و همکاری در همه زمینه‌های اقدام خواهد کرد. همکاری بین ایران و کشورهای آمریکای لاتین از آنچه در حال حاضر برقرار است، به مراتب ظرفیت‌های بیشتری دارد و ما پیگیر تقویت پیوندهایمان خواهیم بود.» پزشکیان پس از اشاره به سیاست همسایگی و روابط با شرق، در سومین حوزه به سراغ روابط با آفریقا و آمریکای لاتین رفته است. ترتیب در اشاره به این حوزه‌ها نشان دهنده اولویت‌های ایران است. تهران در گام نخست متتمرکز بر روابط با

همسایگان است، در وهله دوم درصدد تقویت روابط با چین و روسیه در جایگاه سوم بر توسعه ارتباطات با آفریقا و آمریکای لاتین اصرار دارد. کنار هم قرار گرفتن آمریکای لاتین و آفریقا که فارغ از دسته‌بندی‌های غرب و شرق قرار می‌گیرند نشان دهنده تلاش ایران برای ارتباط با تمام دنیاست.

۱۲. پس از اشاره به سه حوزه «همسایگان»، «چین و روسیه» و آفریقا و آمریکای لاتین، پزشکیان در جایگاه چهارم به اروپا پرداخته است. برشردن خطاهای قاره سبز در ارتباط با ایران از جمله نقض عهد در توافق هسته‌ای به ویژه پس از خروج آمریکا از این توافق، به‌شکل غیرمستقیم دلیل چهارم شدن این قاره در اولویت بندی سیاست خارجی ایران را توضیح می‌دهد. خطاب‌ها به اروپا و برشردن خطاهای متعدد این مجموعه در ارتباط با ایران نشان می‌دهد دولت با وجود شعار مذاکره در انتخابات قصد ندارد بی‌محابا و با چشمانی بسته پشت‌مینشیند.

۱۳. «ایالات متحده آمریکا و متحدان غربی‌اش، نه تنها یک فرصت تاریخی را برای کاهش و مدیریت تنش‌ها در منطقه و جهان از دست دادند، بلکه به‌طور جدی معاهده منع گسترش (npt) را تضعیف کردند؛ چراکه نشان دادند هزینه‌های پایبندی به اصول عدم اشاعه می‌تواند از فواید احتمالی آن بیشتر باشد.»

این بند تعبیر و تهدیدی لطیف در درون خود دارد. اشاره به عدم تناسب در محاسبه هزینه-فایده پایبندی به اصول منع گسترش نشان می‌دهد درصورت اصرار غرب بر پیگیری رویه کمزنی خود، همان‌گونه که تهران پیش‌تر نیز اشاره کرده است، می‌تواند به تغییر دکترین هسته‌ای ایران منجر شود.